

آینده روابط ایران و ترکیه در پرتو تحولات خاورمیانه: ادامه همکاری اقتصادی در سایه رقابت‌های سیاسی

۱۱۱

دوفصلنامه مطالعات
بیزی اسلامی

حاکم قاسمی و همکار
آینده روابط ایران و ترکیه در پرتو تحولات خاورمیانه: ادامه همکاری اقتصادی در سایه رقابت‌های سیاسی

حاکم قاسمی^{۱*}
آرام حسن‌زاد^۲

۱. دانشیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، قزوین، ایران.
۲. دانشجوی دوره کارشناسی ارشد دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، قزوین، ایران.

چکیده

روابط سیاسی و اقتصادی ایران و ترکیه در یک دهه گذشته شکوفایی گسترده‌ای یافته است. مقامات رسمی دو کشور پیش‌بینی کرده‌اند روابط اقتصادی آن‌ها در سال ۲۰۱۵ به ۳۰ میلیارد دلار افزایش یابد. دو کشور دارای منافع سیاسی و امنیتی مشترکی هستند که در اکثر حوزه‌ها باعث هم‌گرایی آن‌ها شده است. البته در برخی حوزه‌ها رقابت‌هایی وجود دارد که باعث نوعی واگرایی و حتی رقابت دو کشور گشته است.

یکی از عواملی که باعث رقابت و ایجاد واگرایی در روابط دو کشور گشته، تأثیراتی است که تحولات خاورمیانه بر منافع دو کشور گذاشته و منافع دو کشور را در برخی حوزه‌ها در مقابل هم قرار داده است. یکی از این حوزه‌ها بحران سوریه است. در بحران سوریه ایران از دولت بشار اسد حمایت و دفاع می‌کند، اما ترکیه خواهان سقوط بشار اسد است و از اپوزیسیون دولت سوریه حمایت می‌نماید. لذا سؤال این است که تحولات خاورمیانه چه تأثیری بر روابط ایران و ترکیه دارد؟

در این مقاله سعی می‌شود با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به این پرسش پاسخ داده شود. بررسی‌ها حاکی از آن است که اختلاف نظر و تضاد منافع ایران و ترکیه در تحولات خاورمیانه باعث واگرایی آن‌ها می‌شود اما پیوندها و منافع اقتصادی مشترک، مانع وارد آمدن آسیب‌های جدی بر روابط دو کشور می‌گردد.

واژگان کلیدی: خاورمیانه، روابط سیاسی-اقتصادی، ایران، ترکیه، هم‌گرایی، واگرایی.

ایران و ترکیه به دنبال تبدیل شدن به قدرت برتر منطقه‌ای هستند. پیگیری چنین هدفی باعث ایجاد رقابت و تعارضات بنیادی در رویکردهای سیاسی ایران و ترکیه گشته است. «یکی از حوزه‌های رقابتی مهم ایران و ترکیه منطقه خاورمیانه است و با شروع بهار عربی و موج دموکراسی‌خواهی این رقابت به حوزه شمال آفریقا نیز سرایت کرد. ایران و ترکیه در بستر تحولات خاورمیانه برای پیگیری منافع ملی و ارزشی و منافع استراتژیک خود خط مشی خاصی را دنبال کرده‌اند که بر روابط اقتصادی و بالاخص روابط سیاسی دو کشور تأثیرگذار خواهد بود» (بطحایی اصل، ۱۳۹۰: ۱۷۶). روابط ایران و ترکیه در طول یک دهه اخیر و پس از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه همواره مناسب و رو به رشد توصیف شده است. همکاری در عرصه‌های اقتصاد، انرژی و تجارت از مهم‌ترین عوامل هم‌سویی منافع ایران و ترکیه در طول یک دهه اخیر محسوب می‌گردند. با این همه دو کشور در قبال تحولات خاورمیانه مواضع متفاوتی داشته‌اند.

مواضع و رویکرد ترکیه نسبت به تحولات خاورمیانه از بی‌تفاوتی و سکوت تا اتخاذ موضع صریح و قاطع در حمایت یا مخالفت در نوسان بوده است. اما مواضع ایران به عنوان ترکیبی از مواضع ارزشی و استراتژیک روندی ثابت و یکسان را در پیش گرفته است. با توجه به سیاست خارجی نوین ترکیه که بیشتر بر خاورمیانه و مناطق قفقاز و آسیای مرکزی تمرکز دارد، که با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه و توسط معمار اصلی آن، احمد داود اوغلو نخست‌وزیر کنونی ترکیه شکل گرفت، ما شاهد نوعی برخورد منافع ایران و ترکیه در منطقه خاورمیانه به‌خصوص در بحران سوریه هستیم. علاوه بر افتراقات در سیاست خارجی ایران و ترکیه در تحولات خاورمیانه، ما شاهد اشتراکاتی نیز در رویکردهای سیاسی ایران و ترکیه نسبت به این تحولات هستیم (۹۰ : Catinsaya، ۲۰۱۴). لذا با توجه به اشتراکات و افتراقات ایران و ترکیه، سؤال اصلی این است که تحولات خاورمیانه چه تأثیری بر روابط سیاسی و اقتصادی ایران و ترکیه می‌گذارد؟ پاسخ اولیه این است که با توجه به گستردگی مبادلات اقتصادی ایران و ترکیه، تضاد مواضع نسبت به تحولات خاورمیانه در حوزه‌ی سیاسی از طریق روابط اقتصادی خنثی می‌شود و روابط اقتصادی مانع رودرویی جدی ایران و ترکیه در حوزه‌ی سیاسی می‌گردد. در این مقاله ابتدا با مراجعه به آثار و منابع موجود، مواضع ایران و ترکیه در قبال تحولات خاورمیانه توصیف می‌گردد. آنگاه با بررسی تطبیقی، مواضع دو کشور در قبال تحولات خاورمیانه مقایسه می‌شود و میزان اشتراکات و افتراقات ایران و ترکیه در

قبال این تحولات ترسیم می‌گردد. سپس به تجزیه و تحلیل روابط دو کشور بر اساس داده‌های به دست آمده می‌پردازیم و امکان همگرایی یا واگرایی آن‌ها در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی را ارزیابی کنیم. با این ارزیابی نتیجه‌گیری و چشم‌انداز آینده روابط دو کشور ترسیم می‌گردد.

ادبیات پژوهشی

درباره تحولات خاورمیانه و روابط سیاسی ایران و ترکیه آثار مختلفی به رشته تحریر در آمده است. بسیاری از آن مقالات به صورت کلی به تجزیه و تحلیل تحولات خاورمیانه که بعد از سال‌های ۲۰۱۰ و تأثیرات آن‌ها پرداخته‌اند. برخی از این مقالات بروز تغییرات ژئوپلیتیک و شکل‌گیری صورت‌بندی‌های جدید در خاورمیانه را مورد بحث قرار داده‌اند. مقالاتی مانند "تحولات جهان عرب: صورت‌بندی قدرت و هویت در خاورمیانه" نوشته محمود یزدان‌فام، (۱۳۹۰). تحولات جهان عرب: تغییرات فضای ژئوپلیتیک امنیتی-راهبردی به ژئوکالچر امنیتی نوین" نوشته ابراهیم متقی (۱۳۹۲). و مقاله "تحولات ژئوپلیتیک خاورمیانه و تقابل استراتژی‌ها" نوشته امیر قدسی (۱۳۹۰)، از این نوع‌اند. برخی کوشیده‌اند با اتکا به نظریه‌های روابط بین‌الملل بروز تحولات را تحلیل کنند. مانند مقاله "تحلیل تحولات سیاسی-اجتماعی کشورهای عربی خاورمیانه و شمال آفریقا از منظر نظریه سازه‌نگاری" نوشته نورالدین اکبری کریم‌آبادی و علیرضا صدرا (۱۳۹۲). برخی مقالات هم کوشیده‌اند تحولات بر رشد اقتصادی و توسعه منطقه را تبیین کنند. مانند مقاله "تأثیر بحران‌های منطقه‌ای و بین‌المللی بر رشد اقتصادی در خاورمیانه و شمال آفریقا" نوشته عبدالرضا فرجی‌زاده (۱۳۹۱).

برخی از آثار و مقالات سعی کرده‌اند موضع‌گیری کشورها در قبال تحولات را تجزیه و تحلیل و با یکدیگر مقایسه کنند. به عنوان نمونه می‌توان به مقاله "بررسی مقایسه‌ای رویکرد ایران و ترکیه در قبال تحولات عربی؛ بررسی موردی تونس، مصر و لیبی" نوشته مهدی صبوحی و رحمت حاجی‌مینه (۱۳۹۱) اشاره کرد. اما گروهی از مقالات تلاش کرده‌اند تا تأثیر تحولات خاورمیانه را بر سیاست خارجی کشورها و روابط آن‌ها را با یکدیگر تبیین کنند. از این میان گروهی از مقالات کوشیده‌اند تأثیر تحولات بر سیاست خارجی ترکیه را تبیین کنند. مقاله "گونه‌شناسی سیاست خارجی ترکیه در خاورمیانه" نوشته حامد یعقوبی‌فر (۱۳۹۲)، مقاله "سیاست خارجی نوین ترکیه و موقعیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی" نوشته میر قاسم بنی‌هاشم (۱۳۹۱)، مقاله "چشم‌انداز استراتژیک ترکیه"

نوشته دکتر حمیدرضا برادران (۱۳۸۷)، از این گروه‌ها. برخی از مقالات هم تأثیر تحولات بر روابط ایران و ترکیه را مورد توجه قرار داده‌اند. مقاله "رابطه ایران و ترکیه در پرتو تحولات جهان عرب" نوشته علیرضا ازغندی و رضا صولت (۱۳۹۰)، مقاله "ایران و ترکیه در خاورمیانه بعد از تحولات جهان عرب: پیرامون‌گرایی و غرب‌گرایی" تألیف بهزاد خوش‌اندام، (۱۳۹۱) مقاله "سیاست خارجی نوین ترکیه و تهدیدهای امنیتی فراروی جمهوری اسلامی ایران" نوشته حسین مسعودنیا و داود نجفی، (۱۳۹۰) از این دست مقالات به حساب می‌آیند. گرچه در هریک از این مقالات بعدی از ابعاد روابط ایران و ترکیه و تأثیر تحولات خاورمیانه بر آن مورد بررسی قرار گرفته اما با توجه به روز و جدید بودن موضوع و وجود ابعاد مختلف آن هم‌چنان بررسی آن از زوایای مختلف و ارائه تحلیل برای روابط ایران و ترکیه از منظرهای مختلف ضروری است. مقاله حاضر ضمن آنکه پاسخی به این ضرورت به حساب می‌آید کوشیده است تا با بررسی مواضع ایران و ترکیه در قبال تحولات کشورهای مختلف آن‌ها را با یکدیگر مقایسه کند و با مقایسه اشتراکات و افتراقات دو کشور را در قبال تحولات خاورمیانه مرور کند. از طرف دیگر تلاش شده است تأثیر این تحولات بر ابعاد مختلف روابط ایران و ترکیه بررسی شود و با این بررسی چشم‌انداز آینده روابط ایران و ترکیه در پرتو تحولات خاورمیانه ترسیم گردد. از این رو حائز نوآوری‌هایی است که آن را از سایر مقالات تولید شده متمایز می‌سازد.

چارچوب نظری

واقع‌گرایی یکی از رهیافت‌های مسلط در تجزیه و تحلیل روابط بین‌الملل است. واقع‌گرایی در طول زمان شکل خود را عوض کرده، اما در شاخه‌های مختلف واقع‌گرایی اصول مشترکی وجود دارد. اصولی چون دولت محوری، آنارشیزم در سیستم بین‌الملل، اصالت قدرت، منافع و امنیت. از دهه ۱۹۹۰ و بعد از فروپاشی نظام دوقطبی تفسیر دیگری از واقع‌گرایی که عمدتاً ساختار نظام بین‌الملل را در تحولات مؤثر و عامل شکل‌دهنده رفتار بازیگران می‌داند شکل گرفت. این تفسیر با نام نئورئالیسم بر نقش قدرت‌های بزرگ در شکل‌گیری ساختار نظام بین‌الملل تأکید می‌کند. کنت والتس معتقد است این قدرت‌های بزرگ هستند که ساختار نظام بین‌الملل را شکل می‌دهند. در این دیدگاه ضمن حفظ پایه‌های اصلی واقع‌گرایی، تا حدودی به اصول لیبرالیسم مانند توجه به نقش عامل اقتصاد و وابستگی متقابل اقتصادی میان بازیگران که موجب همکاری بازیگران می‌گردد و آنارشی را تا حدودی محدود می‌سازد توجه می‌شود. (محمد خانی، ۱۳۸۸: ۸۴)

نئورئالیست‌هایی چون والتز که به تعدیل نظریات رئالیسم پرداختند، معتقدند در فضای آنارشیک و رقابت آمیز بین‌المللی تنها بازیگران دولتی نیستند که روابط را تحت تأثیر قرار می‌دهند. بلکه ساختارهای بین‌المللی نیز بر روابط تأثیر می‌گذارند. از این رو تعامل بین ساختار و بازیگران است که روابط را شکل می‌دهد. لذا در عین رقابت‌هایی که بر سر منافع وجود دارد می‌توان همکاری‌ها در حوزه اقتصادی را شکل داد و با وجود حاکم بودن سیاست قدرت (دولت محوری و رقابت برای تأمین منافع) دولت‌ها می‌توانند در عرصه‌های اقتصادی به همکاری با یکدیگر بپردازند. در این وضعیت رقابت‌ها و همکاری‌ها که توأمان شکل می‌گیرند می‌توانند یکدیگر را تحت تأثیر قرار دهند و همکاری‌های اقتصادی می‌توانند مانع تشدید و تصاعد رقابت‌ها شوند.

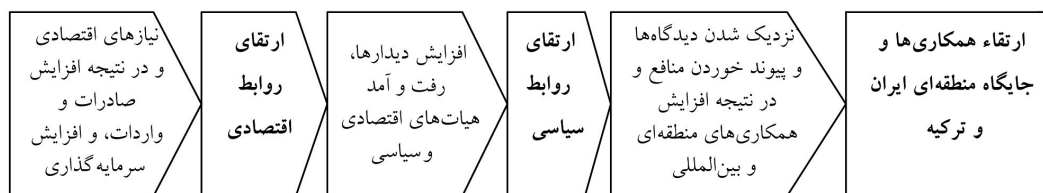
نئورئالیسم می‌تواند چارچوب نظری مناسبی برای تجزیه و تحلیل تحولات خاورمیانه به صورت عام و روابط ایران و ترکیه به صورت خاص باشد. نئورئالیسم با تأکید بر همکاری در فضای آنارشیک، قائل به وجود همکاری‌ها در حوزه اقتصادی در عین رقابت‌های سیاسی و امنیتی است (۲۳: ۲۰۰۱، Mearsheimer). از سال ۲۰۱۰ با شروع تحولات خاورمیانه ما شاهد تشدید فضای آنارشیک در منطقه خاورمیانه هستیم. در این فضا رقابت‌های سیاسی و امنیتی موجود تشدید می‌شود و رقابت‌های جدیدی نیز ظهور می‌کند. در این فضا هر یک از بازیگران می‌کوشند منافع خود را تعقیب نمایند. بنابراین با رقابت با سایر بازیگران می‌پردازند. اما از سوی دیگر آن‌ها تحت تأثیر ساختارهای منطقه‌ای و وابستگی‌های متقابل اقتصادی با یکدیگر هستند. روابط ایران و ترکیه مصداق بارز این وضعیت است. آن‌ها از یک سو با هم رقابت می‌کنند. ایران و ترکیه به دنبال افزایش نفوذ خود در کشورهای که انقلاب در آن‌ها روی داده‌اند، هستند. به عنوان نمونه دو کشور به دنبال افزایش نفوذ خود در سوریه هستند. ایران از متحد استراتژیک خود بشار اسد حمایت می‌کند در حالی که ترکیه از اپوزیسیون سوریه حمایت می‌نماید. از طرف دیگر هر دو کشور در پی پیاده‌سازی دیدگاه‌های خود از اسلام در منطقه هستند. لذا در این زمینه ما شاهد غلبه سیاست قدرت در روابط دو کشور هستیم. اما این رقابت به تنهایی نمی‌تواند عاملی در جهت رودررویی جدی ایران و ترکیه گردد. زیرا عامل اقتصادی و نیازهای متقابل آن‌ها را به سوی همکاری سوق می‌دهد. اقتصاد و انرژی عاملی است که به ایجاد همکاری‌ها میان کشورهای ایران و ترکیه منتهی می‌گردد. بنابراین مطابق با نظریه نئورئالیستی همکاری‌های اقتصادی بین ایران و ترکیه مانع از رودررویی دو کشور در عرصه سیاسی می‌گردد. بنابراین چشم‌انداز آینده روابط ایران و ترکیه را

نمی‌توان وخیم دانست و می‌توان با توجه به نظریه نئورئالیستی، تداوم همکاری دو کشور را پیش‌بینی نمود (۲۴: ۲۰۰۱، Mearsheimer).

مرور روابط سیاسی و اقتصادی ایران و ترکیه

«ایران و ترکیه به عنوان دو کشور همسایه دارای روابط سیاسی و اقتصادی گسترده‌ای هستند. روابط سیاسی و اقتصادی دو کشور از زمان روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه از سال ۲۰۰۲ رشد قابل‌توجهی یافته است. ما در این دو حوزه (سیاسی و اقتصادی) شاهد گسترده‌گی همکاری‌های دیپلماتیک و اقتصادی بوده‌ایم در مقابل نیز با روی دادن جنبش‌های انقلابی در کشورهای عربی و گسترش موج دموکراسی‌خواهی در کشورهای شمال آفریقا و خاورمیانه در حوزه سیاسی شاهد نوعی تضاد منافع به‌خصوص در بحران سوریه بوده‌ایم» (مسعودنیا، ۱۳۹۰: ۱۳۷). بنابراین می‌توان گفت «روابط اقتصادی ایران و ترکیه از پایدارترین نوع روابط میان دو کشور بوده و حتی در اوج اختلافات دو کشور، دچار آسیب جدی نشده است. امروزه روابط میان دو کشور در همه‌ی سطوح دنبال می‌شود. روابط خوب اقتصادی ایران و ترکیه بی‌تردید بر مناسبات سیاسی دو کشور تأثیر می‌گذارد و باعث بهبود آن می‌شود چنانچه در عرصه عمل این مهم به اثبات رسید. برآیند چنین تعامل دوسویه‌ی سیاسی دیپلماتیک و اقتصادی ارتقای جایگاه منطقه‌ای ایران و ترکیه در خاورمیانه می‌باشد» (بطحایی اصل، ۱۳۹۰: ۱۹۴). وضعیت روابط ایران و ترکیه و تأثیرات منطقه‌ای آن را می‌توان در نمودار زیر ترسیم کرد.

نمودار ۱- وضعیت روابط ایران و ترکیه و تأثیرات آن



اگر بخواهیم مصادیق در همکاری‌های ایران و ترکیه را مورد توجه قرار داده و برجسته نماییم می‌توان به همکاری‌های دیپلماتیک و اقتصادی اشاره نمود که بدین قرار است:

۱. حمایت از طرح ایران در سازمان ملل: دو طرف افراط‌گرایی و خشونت در کلیه اشکال و ظواهر آن و هرگونه فرقه‌گرایی و اعمال خشونت در مناقشات منطقه‌ای را یکی از جدی‌ترین تهدیدات برای صلح و امنیت بین‌الملل می‌دانند و از ابتکارات در دست

اجرا برای مبارزه با افراط‌گرایی و خشونت در چارچوب سازمان ملل متحد به ویژه ابتکار آقای روحانی، رئیس جمهوری اسلامی ایران، تحت عنوان "جهانی علیه خشونت و افراط‌گرایی (WAVE)"، که با حمایت بین‌المللی در مجمع عمومی سازمان ملل طی قطعنامه شماره ۶۸/RES/۱۲۷ در تاریخ ۱۸ دسامبر ۲۰۱۳ به تصویب رسید، حمایت می‌کنند (بطحایی اصل، ۱۳۹۰: ۱۹۵).

۲. همکاری در مبارزه با تروریسم: ایران و ترکیه همواره بر تقویت همکاری‌ها در مبارزه با تروریسم در همه اشکال و ظواهر، مبارزه با جرائم سازمان‌یافته فراقشوری، مبارزه با قاچاق سلاح و مواد مخدر، مقابله با قاچاق انسان و مهاجرت غیرقانونی و حمایت از خاورمیانه عاری از انواع سلاح‌های کشتار جمعی تأکید کرده و خواستار همکاری با هم بوده‌اند.

۳. حمایت ایران از عضویت ترکیه در شورای امنیت: ایران از عضویت ترکیه در شورای امنیت حمایت کرده و دو کشور توافق نموده‌اند تا رایزنی‌ها و همکاری‌های خود را در سازمان‌های بین‌المللی تقویت نمایند. بر این اساس ایران از نامزدی ترکیه برای عضویت در شورای امنیت سازمان ملل به عنوان عضو غیردائم برای دوره ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۶ حمایت کرد.

در حوزه اقتصادی نیز ایران و ترکیه بعد از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه دارای روابط اقتصادی گسترده‌ای بوده‌اند. این روابط در طول یک دهه گذشته رشد چشم‌گیری داشته است. پیش‌بینی شده است حجم مبادلات اقتصادی ایران و ترکیه در سال ۲۰۱۵ به ۳۰ میلیارد دلار افزایش یابد. در این حوزه (اقتصادی) نیز اقدامات و رایزنی‌های گسترده‌ای به شرح زیر صورت گرفته است. در این باره می‌توان به موارد زیر اشاره نمود.

۱: روابط بازرگانی و مبادلات فرهنگی: دو طرف در حوزه بازرگانی، بر بهبود روابط اقتصادی و بازرگانی که موجب رفاه مردم دو کشور و کمک به ثبات منطقه خواهد شد، تأکید نموده و همکاری می‌نمایند، طوری که شاهد افزایش مرزهای اقتصادی مبادلاتی در مرزهای دو کشور هستیم. «در حوزه گسترش مبادلات فرهنگی نیز ایران و ترکیه توافق کردند همکاری‌های فرهنگی فی‌مابین را به ویژه از طریق مراکز فرهنگی و سایر مؤسسات مرتبط گسترش دهند و با به‌کارگیری راه‌های همکاری‌های بیشتر در حوزه میراث فرهنگی به عنوان یک حوزه بسیار مهم دیگر را در آینده بررسی نمایند» (بطحایی اصل، ۱۳۹۰: ۱۹۵).

۲: حجم مبادلات: در حوزه حجم مبادلات نیز دو کشور براینکه تمامی تلاش‌های

خود را برای دستیابی به هدف رساندن حجم مبادلات تجاری به رقم ۳۰ میلیارد دلار تا سال ۱۳۹۵ به کار خواهند گرفت و نیز بر لزوم تشویق نهادهای تجاری برای افزایش سرمایه گذاری در کشورهای یکدیگر تأکید کرده و بر توافق خود مبنی بر توسعه همکاری‌های سازمانی و ایجاد راه‌های تبادل اطلاعات بین شرکت‌های کوچک و متوسط جهت برخورداری از ابتکارات و فعالیت‌ها تصریح می‌نمایند.

۳: انرژی: در حوزه انرژی شاهد تعمیق و تقویت همکاری‌ها بین ایران و ترکیه و ایجاد لوله‌های انتقالی گازی و انتقال بشکه‌های نفت خام به کشور ترکیه و وابستگی هر چه بیشتر ترکیه به حوزه نفت خام و گاز طبیعی به ایران هستیم.

گسترده‌گی حجم روابط اقتصادی ایران و ترکیه با ارقام نمایان‌تر می‌گردد. در حالی که حجم تجارت، ایران و ترکیه در دهه‌ی ۱۹۹۰ زیر یک میلیارد دلار بوده است پس از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه و برقراری مناسبات اقتصادی میان ایران و ترکیه این رقم تجارت در سال ۲۰۰۲، رقم یک میلیارد و هفتاد میلیون دلار را تجربه کرد به طوری که در سال ۲۰۰۸ به ده میلیارد و چهار صد و سی میلیون دلار رسید. این بدین معنی است که طی کمتر از ده سال روابط تجاری میان ایران و ترکیه به ده برابر افزایش یافت. این رقم در سال ۲۰۱۲ به ۲۱/۰۸ میلیارد دلار افزایش را نشان می‌دهد. در حالی که در سال ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ به ترتیب ما شاهد کاهش مبادلات تجاری به رقم ۱۳ میلیارد و ۵ میلیون دلار و ۱۰ میلیارد و ۱۳۶ میلیون دلار هستیم که علت این کاهش چشم‌گیر در مبادلات بین دو کشور، سفت کردن رژیم تحریم‌ها علیه ایران از طرف آمریکا و غرب که منجر به محدودیت‌هایی در واردات نفت و گاز ایران و در نتیجه کاهش توانایی ایران در پرداخت تولیدات وارد شده از ترکیه گردید. در سال ۲۰۱۴ و همراه با روی کار آمدن حسن روحانی به ریاست جمهوری و سفر وی به آنکارا و دیدار با عبدالله گل رئیس‌جمهور ترکیه در ژوئن ۲۰۱۴، گل تأکید کرد که آنکارا حمایت کامل خود را از ایران در رابطه با برداشتن کامل تحریم‌ها علیه ایران می‌نماید. به‌علاوه با پیگیری جدی مذاکرات هسته‌ای دولت روحانی با غرب و آمریکا نمی‌توان تحقق روابط تجاری ۳۰ میلیارد دلاری ایران و ترکیه در سال ۲۰۱۵ را دور از انتظار دید. در جدول زیر می‌توانید ارقام تجارت میان ایران و ترکیه را از سال ۲۰۰۲ به این سو مشاهده کنید. (Lindenstrauss, ۲۰۱۴: ۸۱)

جدول ۱: ارقام تجارت میان ایران و ترکیه (۲۰۰۲-۲۰۱۴)

سال	۲۰۰۲	۲۰۰۸	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴
میزان تجارت (به میلیارد دلار)	۱/۰۷	۱۰/۴۳	۲۱/۰۸	۱۳/۰۵	۱۰/۱۳۶

source: Özet (Türkiye-İran ilişkileri, literatürde genelde istikrarlı olarak: (değerlendirilmekte ve ikili ilişkilerdeki istikrarın sebepleri, çoğunlukla ikili

تحولات خاورمیانه

تحولات خاورمیانه که از سال ۲۰۱۰ شروع شد ناظران و کارشناسان حوزه‌ی سیاست را غافلگیر کرد. تظاهرات گسترده مردم در تونس و ایستادگی شان در مقابل دیکتاتوری بن علی باعث سرنگونی وی در ژانویه ۲۰۱۱ گردید. چند هفته بعد نیز رئیس جمهور مصر، حسنی مبارک با بیش از ۳۰ سال ریاست سرانجام در دفتر خود استعفا داد. بنابراین «امید برای تغییرات اساسی و بنیادی در سراسر منطقه خاورمیانه گسترش یافت. در طی این روند، تظاهرات گسترده‌ای از تونس تا سوریه صورت گرفت. بنابراین از حس سرخوشی شروعی جدید و پویایی سیاسی، تحولات سیاسی منطقه، بهار عربی نام گرفت. سرانجام در اوایل سال ۲۰۱۱ بود که این احساس که تظاهرات گسترده توده مردم قادر به سرنگونی دیکتاتوری‌های طولانی مدت می‌گردند، گسترش یافت» (نیاکویی، ۱۳۹۰: ۲۴۵).

بنابراین «تغییرات در مصر و تونس به نوعی مسالمت‌آمیز به نظر می‌رسد اگر چه باعث کشتار بیش از یک هزار نفر توسط رژیم‌های حاکم در هر دو کشور مصر و تونس گشت اما در مقایسه با وقایع غمناک پس از آن در سوریه و لیبی و کشتار گسترده‌ای که در این دو کشور روی داد، می‌توان به تصدیق گفته مان در رابطه با مسالمت‌آمیز بودن تحولات در مصر و تونس پی برد. سقوط ناگهانی هر دو دیکتاتوری مصر و تونس باعث گسترش بارقه امید و این انتظار که موج دموکراسی در سراسر منطقه گسترش یابد، شد. حتی برخی از صاحب‌نظران در حوزه‌ی سیاست از موج جزر و مدی و سونامی دموکراسی صحبت کردند. سرانجام دو سال بعد ما شاهدیم که این وضعیت امیدوارکننده خاورمیانه تغییر کرد و بهار عربی در لیبی به سمت جنگ داخلی و دخالت نظامی خارجی منجر گردید و اعتراضات مسالمت‌آمیز مردم در سوریه که از ماه مارس ۲۰۱۱ شروع شده بود به یک جنگ داخلی توسعه یافته در نیمه دوم آن سال تبدیل گشت که تاکنون نیز ادامه دارد طوری که طبق آمار سازمان ملل بیش از یک میلیون سوری تا پایان سال ۲۰۱۳ کشور

خود را ترک کرده و بیش از دو میلیون سوری نیز در داخل کشورشان آواره گشته‌اند» (۱۰: Larabee، ۲۰۱۳).

تعمیق یافتن درگیری و اختلافات بین مردم کشورهای مذکور با دولت مرکزی و ناتوانی جامعه ملل در جلوگیری از خونریزی‌ها باعث ایجاد نوعی بدبینی بر تحولات امیدوار کننده خاورمیانه شده است. در همین زمان نیز تحولات کنونی در مصر و تونس از ایجاد یک روند دموکراتیک حکایت نمی‌کند. هم از لحاظ اقتصادی و هم از لحاظ سیاسی نیز مصر و تونس دچار بحران جدی شده‌اند. منازعات ترکیه و سوریه و دخالت نظامی ترکیه در سوریه و حمایت ترکیه از اپوزیسیون بشار اسد و همچنین رویارویی جدی در لیبی و همچنین وضعیت نامشخص دولت کودتای مصر باعث انتقال دموکراتیزاسیون به سمت نوعی تعارضات و کشمکش‌های منطقه‌ای گشته است (نیاکوئی، ۱۳۹۰: ۲۵۰). همان‌طور که دیدیم در سالهای ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ نیز شاهد تغییرات دموکراتیکی نبودیم. در سال ۲۰۱۵ نیز می‌توان گفت ما شاهد تغییرات در شرایط سیاسی و اجتماعی خواهیم بود اما این تغییرات احتمالاً به صورت انتقال سریع و صلح‌آمیز به سمت روندی دموکراتیک نخواهد بود بلکه می‌توان شاهد ترکیبی از مبارزه سیاسی و خشونت باشیم و یا به جای گرایش این تحولات به سمت یک روند مشترک دموکراتیک به نظر می‌رسد احتمال اینکه منطقه تحولات کاملاً متضاد و متنوع را تجربه کند، وجود خواهد داشت.

مواضع ترکیه در قبال تحولات خاورمیانه

مواضع و رویکرد ترکیه نسبت به تحولات کشورهای منطقه از بی‌تفاوتی و سکوت تا اتخاذ مواضع قاطع در قبال خیزش‌های مردمی در نوسان بوده است. از این رو برخی ترکیه را به تناقض در سیاست خارجی متهم می‌کنند. به نظر می‌رسد متغیر منافع ملی و نسبت آن با تحولات در کشورهای مذکور مهم‌ترین عامل اتخاذ مواضع متفاوت ترکیه طی این تحولات بوده است (شریفیان، ۱۳۹۱: ۱۵۷). «با چنین تحولاتی که در رویکرد خاورمیانه‌ای ترکیه در چند سال اخیر به وقوع پیوسته، نقش‌آفرینی این کشور در تحولات عمیق و پرشتاب خاورمیانه دور از انتظار نیست. اما نکته شایان توجه، اتخاذ مواضع متفاوت و تا حدودی متناقض ترکیه در قبال تحولات خاورمیانه است» (۴۹: Onis، ۲۰۱۲). در این قسمت مواضع دولت ترکیه در قبال تحولات کشورهای خاورمیانه بررسی می‌شود.

تونس: شروع تحولات در منطقه برای دولت ترکیه و در چارچوب سیاست خارجی جدید این کشور فرصت‌ها و تهدیداتی را به همراه داشت. به همین دلیل در ابتدا واکنش

دولت ترکیه به تحولات جهان عرب که از تونس آغاز شد سیاست سکوت بود. بخش عمده‌ای از این سکوت اولیه ریشه در منافع اقتصادی ترکیه داشت، زیرا ترکیه به عنوان یکی از قدرت‌های مهم تجاری دنیا بیش از هر چیز در فکر افزایش حجم صادرات و سرمایه‌گذاری‌های خود در منطقه بود. تعقیب این سیاست‌های اقتصادی تا میزان زیادی باعث شد دولت مذکور به یک دولت حافظ وضع موجود تبدیل شود و به تغییرات دموکراتیک در منطقه تمایلی نداشته باشد. اما در مورد تونس حجم پایین تجارت و سرمایه‌گذاری‌های ترکیه در این کشور که در سال ۲۰۱۰ کمتر از یک میلیارد دلار بود سبب شد که پس از مدتی ترکیه از لزوم گذار تونس به سوی دموکراسی سخن بگوید (Ergun, ۲۰۱۲: ۵۰) و با حمایت از جنبش مردم این کشور خود را همچون یک الگو و مدل به نمایش درآورد. تبلور مهم این دیپلماسی را می‌توان در سفر تبلیغی اردوغان در سپتامبر ۲۰۱۱ به کشورهای مصر، لیبی و تونس مشاهده نمود.

این تلاش‌ها برای ارائه یک تصویر زیبای اسلامی و دموکراتیک از ترکیه تا آنجا پیش رفت که راشد الغنوشی عمده‌ترین رهبر مخالف در پیکار با زین‌العابدین بن‌علی، که حزب او در نخستین انتخابات آزاد تونس ۴۱ درصد آرا را کسب نمود، قول داد که ترکیه مدل و نمونه حزب او، (حزب النهضه) باشد. (الگو قرار گرفتن ترکیه می‌تواند منافع اقتصادی این کشور را نیز پس از بهار عربی و روی کار آمدن دولت‌های دموکراتیک تضمین کند). بدین لحاظ در مورد تونس سفیر تونس در ترکیه اظهار داشته بود که «همه بازیگران سیاسی در تونس علاقمندند به ترکیه همچون شریکی استراتژیک بنگرند و هم‌چنین معتقدند ترکیه یک شریک دارای حق ویژه در نزد دولت جدید تونس است. ما می‌خواهیم از تجربه‌های موفق‌آمیز ترکیه در زمینه‌های اقتصادی، آموزشی، علمی و دیگر زمینه‌ها بهره‌گیریم. در مقابل تونس می‌تواند به صورت یک درگاه ورودی به قاره آفریقا برای ترکیه و در راستای بهره‌گیری آن کشور از فرصت‌های سرمایه‌گذاری در این قاره توسط سرمایه‌گذاران ترک عمل کند».

لیبی: در جنبش‌های منطقه بیشترین ضرر و آسیب برای ترکیه از طرف لیبی به وجود آمد. جنگ داخلی این کشور به‌ویژه در ابتدای آن یک بحران جدی برای دولت ترکیه تلقی می‌شد. این امر باعث شد دولت ترکیه نسبت به حضور خود به عنوان یک نیروی فعال برای تغییر رژیم در این کشور چندان تمایلی نداشته باشد، زیرا منافع اقتصادی ترکیه و تجارت و سرمایه‌گذاری‌ها و هم‌چنین حضور حدود ۲۵۰۰۰ کارگر ترک در لیبی شرایط این کشور را با مصر متفاوت ساخته بود و لذا دولت ترکیه در ابتدا رویکردی محتاطانه را

در قبال رویدادهای لیبی در پیش گرفت (Dorsey، ۲۰۱۵: ۴).

ترکیه اولین قدم‌های استوار خود را در جهت نزدیکی به مخالفان با به رسمیت شناختن شورای انتقالی لیبی به‌عنوان نماینده واقعی و مشروع مردم این کشور در ۴ جولای ۲۰۱۱ برداشت. داوود اوغلو وزیر خارجه ترکیه طی سفری به بن‌غازی با تأکید بر راه‌حل سیاسی بحران لیبی بیان داشت که «ترکیه از خواست‌های ملت لیبی و همچنین اتحاد و یکپارچگی این کشور حمایت می‌کند». در این ارتباط دولت آنکارا در دو نوبت مبلغ ۳۰۰ میلیون دلار در اختیار شورای ملی انتقالی لیبی قرار داد. علاوه بر این استانبول میزبان پنجمین نشست گروه تماس لیبی که هدف آن حمایت از خیزش آزادی‌خواهانه‌ی مردم لیبی بود، شد. در این نشست داوود اوغلو خواستار آن شد که شورای امنیت سازمان ملل نسبت به ایجاد چارچوبی قانونی برای تأمین یک راه‌حل جهت آزادسازی دارایی‌های مسدود شده‌ی لیبی اقدام کند. تلاش دولت ترکیه برای پرپایی این نشست‌ها و دیگر اقدامات این کشور، فرصت مناسبی را برای شورای انتقالی فراهم آورد تا بر مشروعیت بین‌المللی خود به‌عنوان تنها نماینده مشروع مردم لیبی بیافزاید.

مصر: مصر مهم‌ترین کشوری بود که امواج استبداد ستیزی، آزادی و دموکراسی خواهی و اسلام‌گرایی آن کشور را درنوردید. در انقلاب مصر نیز دولت ترکیه از جمله مهم‌ترین بازیگران صحنه تحولات این کشور بود و در طول قیام مردم مصر علیه حسنی مبارک، از تظاهرکنندگان مصر حمایت کرد. این حمایت علل مختلفی داشت: رقابت استراتژیکی میان دو کشور در منطقه در زمان مبارک، پایین بودن سطح روابط تجاری دو کشور، عدم سرمایه‌گذاری‌های عمده ترکیه در این کشور و در نهایت ارتباط و نزدیکی دیدگاه‌های نخبگان سیاسی حزب عدالت و توسعه و گروه اخوان المسلمین بود (Dorsey، ۲۰۱۵: ۷). این عوامل باعث شد اردوغان در یک مصاحبه تلویزیونی با شبکه الجزیره از حسنی مبارک بخواهد که استعفا دهد و در ادامه و پس از سرنگونی مبارک، عبدالله گل رئیس جمهور ترکیه اولین مقام بلندپایه خارجی بود که از مصر دیدار کرد و پس از وی نیز اردوغان در ماه سپتامبر ۲۰۱۱ وارد مصر شد. اردوغان در این سفر به روشنی پشتیبانی دولتش را از روند انتقال قدرت و برقراری نظم سیاسی در مصر ابراز داشت و همچنین اهمیت تجربه ترکیه در پایه‌گذاری یک سیستم سیاسی سکولار را مورد اشاره قرار داد (۲۵: Onis، ۲۰۱۲).

انتخاب مرسى به عنوان رئیس جمهور جدید مصر پس از انقلاب که (پایگاه اصلی حامیانش را اسلام‌گرایان و به‌ویژه گروه اخوان المسلمین و حزب عدالت و آزادی مصر

تشکیل می‌دادند) باعث شد که پیوندهای سیاسی و اقتصادی دو کشور در منطقه عمیق‌تر از قبل شوند و طی مدت ریاست جمهوری وی، مواضع منطقه‌ای و بین‌المللی دو کشور در بیشتر موارد مشابه بود. اعتقادات مشترک نخبگان حزب عدالت و توسعه ترکیه و اکثریت نخبگان گروه اخوان المسلمین مصر در ارتباط با ارائه یک اسلام دموکراتیک و میانه‌رو و همچنین نفی نظامی‌گری و رادیکالیسم از جمله مواردی هستند که این دو جریان را به هم پیوند می‌دادند. اما این روابط خوب چندان به درازا نکشید.

کودتای ارتش مصر علیه رئیس‌جمهور منتخب این کشور و برکناری وی از قدرت و همچنین بازداشت بسیاری از رهبران اصلی این جریان و انتصاب رئیس دولت جدید و در ادامه نیز حمایت‌های برخی دول منطقه از این اقدام، باعث شد که دولت ترکیه به شدت و مکرر این کودتا را محکوم کند و تاکنون اردوغان بیشترین انتقادات را نسبت به آن ابراز داشته است. دولت ترکیه پس از کودتا در مصر در حال از دست دادن توانایش برای تأثیرگذاری بر وقایع این کشور است و زمانی که موازنه تجاری بین دو کشور ۴ میلیارد دلار به سود ترکیه است دولت ترکیه از قطع روابط و سست شدن پیوندهایش با این کشور زیان بیشتری متحمل خواهد شد.

یمن: پیش از وقوع تحولات در یمن، ترکیه در جریان درگیری دولت یمن با شبه نظامیان حوثی در اواخر سال ۱۳۸۸ پیشنهاد میانجی‌گری بین طرفین را مطرح کرده بود و تحرکات دیپلماتیکی را نیز در آن مقطع به نمایش گذاشت. با این سابقه دیپلماتیک، در جریان تحولات یمن، ترکیه بار دیگر به نفع رژیم علی عبدالله صالح وارد عمل شد. در این راستا، هیئتی عالی‌رتبه متشکل از معاون نخست‌وزیر، وزیر دفاع و وزیر بهداشت ترکیه به همراه جمعی از درجه‌داران، نمایندگان پارلمان و آکادمیست‌های ترکیه نیز به یمن سفر کردند و در بحبوحه حرکت‌های انقلابی این کشور، معاهدات نظامی، امنیتی و اقتصادی با مقامات وقت صنعا امضا کردند. (Dorsey، ۲۰۱۵: ۲۱). هم‌سویی با «سیاست حفظ وضع موجود» کشورهای غربی و اعضای شورای همکاری خلیج فارس موجب شد تا دولت ترکیه به اتخاذ مواضع محافظه‌کارانه در قبال تحولات بحرین و یمن روی آورد. عواملی چون حفظ وضع موجود و ثبات در منطقه استراتژیک خلیج فارس، جلوگیری از شکاف مذهبی در منطقه و کاستن از قدرت مانور ایران (به عنوان رقیب منطقه‌ای ترکیه) از جمله مهم‌ترین دلایل مدّ نظر سیاست‌گذاران ترک در اتخاذ مواضع متفاوت در قبال بحرین و یمن به شمار می‌رود.

بحرین: با شروع قیام مردم بحرین باز هم ترکیه بین ملاحظات متعدد دچار تردید شد.

ترکیه منافع اقتصادی زیادی در شورای همکاری خلیج فارس داشت و ناچار بود به نگرانی‌های امنیتی آن‌ها احترام بگذارد و از طرفی مایل نبود ایران را به درگیری در مسائل حوزه جنوبی خلیج فارس ترغیب کند. ترکیه مایل بود به نوعی نقش رهبری دیپلماتیک ایفا کرده و از افزایش تنش بین شیعیان و اهل سنت که در ثبات کل منطقه مؤثر است، جلوگیری کند. آنکارا پیشنهاد داد تا برای رسیدن به راه‌حل دیپلماتیک در این بحران میانجی‌گری کند و به مقامات بحرینی توصیه کرد که خویشتن‌داری کنند تا از وقوع نزاع شیعی-سنّی جلوگیری شود. همچنین ترکیه به آیت‌الله سیستانی در نجف به عنوان یک مرجع شیعی متوسل شد تا به آرام‌سازی تنش‌ها کمک نماید. اردوغان قصد داشت بر نقش دیپلماتیک منطقه ای ترکیه تأکید کرده و نشان دهد که ترکیه گذشته از نقشی که به عنوان یک قدرت مهم سنّی ایفای نقش می‌کند، قادر به رقابت با ایران برای محافظت از منافع شیعیان و مدیریت روابط شیعیان و اهل سنت نیز است. با این وجود، شورای همکاری خلیج فارس عملاً راه‌حل‌های اردوغان را نادیده گرفت و به سرکوب نظامی قیام بحرین با کمک نیروهای عربستان سعودی، امارات و دیگر کشورهای عضو شورا اقدام کرد. ایران این حرکت را به عنوان یک اشغال نظامی محکوم کرد و ترکیه با لحنی ملایم نسبت به خطر افزایش تنش در منطقه هشدار داد. در نتیجه، ترکیه در اثر تغییر ناگهانی وضعیت ثبات کشورهای عربی، متحمل خسارات اقتصادی قابل توجهی شده است (Barkey، ۲۰۱۱: ۸۴).

سوریه: بحران سوریه نشان داد که دولت ترکیه قدرت تعیین‌کننده منطقه‌ای نیست و توانایی ایجاد تغییرات اساسی در سوریه را ندارد. با اذعان به قدرت طرف‌های هوادار دولت سوریه کشورهای دیگری که معتقد به حل بحران سوریه از طریق دیپلماتیک هستند بسیار فعالانه عمل می‌کنند و موفق شده‌اند در مقابل ترکیه، عربستان و قطر به عنوان قدرت‌های منطقه‌ای، آمریکا و کشورهای غربی به عنوان قدرت‌های بین‌المللی مخالف دولت اسد، مقاومت نمایند. واقعیت آن است که مخالفان اصلی اسد در منطقه تنها دولت قطر، عربستان و ترکیه هستند که فعالانه به اپوزیسیون دولت اسد کمک می‌رسانند. سایر کشورهای مخالف اسد نیز تاکنون کم و بیش از افزایش فعالیت‌های عملی خود علیه دولت سوریه اجتناب ورزیده‌اند (شریفیان، ۱۳۹۱: ۱۶۸).

ترکیه سعی کرده آگاهانه و با تدبیر از ظرفیت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برای حل بحران سوریه استفاده کند که تاکنون نیز از یک طرف در خصوص پاسخگویی به مشکلات داخلی خود و از طرف دیگر در مورد اقناع جهان غرب از جمله ایالات متحده درباره

بحران سوریه موفق نبوده است (بیات، ۱۳۹۰: ۱۷۶). در این مورد ترکیه به‌خصوص در اواخر سال ۲۰۱۳ و هم‌زمان با ظهور گروه‌های افراطی از جمله دولت اسلامی در عراق و شام (داعش)، با چالش مواجه شده است طوری که دولت آمریکا در پی نابودسازی این گروه افراطی که منافع آمریکا را در سوریه و عراق به خطر انداخته است، می‌باشد. در حالی که دولت ترکیه حامی این گروه افراطی است که این باز نشان از تناقض در دیدگاه ترکیه، از یک سو به عنوان طرفدار سیاست‌های آمریکا در سوریه و منطقه و از سوی دیگر حامی گروه‌هایی که منافع آمریکا را در سوریه تهدید می‌کند، است. «اکنون با وجود تردیدها و فشارهایی که در مورد شکست سیاست‌های ترکیه به وجود آمده این کشور هنوز با گام‌هایی مستحکم سعی می‌کند جلو برود و با بهانه‌هایی که می‌تواند آمریکا را برای ورود مستقیم به حمله سوریه بکشانند، از جمله بحث سلاح‌های شیمیایی و بحث مداخله اسرائیل (راهی است که ترکیه سعی می‌کند بر اساس آن به اهداف خود در سوریه دست پیدا کند) که در این مورد نیز با توجه به تجربه ترکیه در خصوص مواضع متناقضش در سیاست خارجی خود، دور از انتظار نیست که شاهد تکرار این تناقضات و بی‌ثباتی‌ها در این مورد و حتی در آینده نیز باشیم» (شریفیان، ۱۳۹۱: ۱۴۱).

مواضع ایران در قبال تحولات خاورمیانه

«خاورمیانه هدف استراتژیکی ایران است. تنش جمهوری اسلامی ایران با آمریکا و اسرائیل و رقابت با همسایگان عربی (بالاخص عربستان) و ترکیه باعث شده‌اند ایران منطقه خاورمیانه را به عنوان هدف اصلی استراتژیکی خود برای ایجاد نفوذ و ایجاد بازدارندگی در برابر دشمنان خود قرار دهد. ایران با تکیه بر فعالیت‌های گسترده خود در منطقه به منظور ایجاد دوستان جدید و ایجاد پایگاهی برای حمایت از اهداف استراتژیک خود و هم‌چنین با نگاه ارزشی به بعضی بحران‌ها، برای ایجاد نفوذ در رقبای خود و ایجاد پیوند قوی اقتصادی با همسایگان به‌خصوص ترکیه در تلاش است. ایران در طول زمان در دستیابی به این اهداف و ایفای نقش بازیگری استراتژیک در خاورمیانه موفق بوده است. اما تحولات خاورمیانه و فشارهای بسیار زیاد بر ایران ناشی از تحریم‌ها باعث شد ایران خود را با محیط آشفته استراتژیکی جدید منطبق نماید» (Ostovari, ۲۰۱۳: ۲۴). تحلیل دیدگاه ایران نسبت به تحولات خاورمیانه و مواضع آن در قبال بحران سوریه، لیبی و مصر و تونس این تلاش را منعکس می‌سازد.

تونس: با آغاز خیزش‌های مردمی در تونس، مقامات جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه

مقام معظم رهبری و پیرو آن دستگاه سیاست خارجی ایران حمایت آشکار خود را از قیام مردم این کشور ابراز داشتند. در این راستا، مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه در اولین واکنش خودشان نسبت به تحولات خاورمیانه بیان داشتند که «انقلاب اسلامی ایران در سال ۵۷ که باعث سرنگونی رژیم شاه شد، برای کسانی که تحت حکومت‌های مشابه رژیم شاه هستند الگوی مناسبی است» (Abuhilal، ۲۰۱۱: ۷). دولت ایران در قالب رویکرد هژمون مبتنی بر همکاری و هم‌چنین وارد ساختن دول منطقه به درون حوزه فرهنگی و ارزشی خود و ایجاد نوعی انسجام سیاسی و اقتصادی و فرهنگی در حوزه‌های منطقه‌ای، از ابتدا در صدد آن بود تا تونس را به حوزه همکاری هژمونیک خود وارد سازد. تأکید ایران بر برخی جنبه‌های فرهنگی و سیاسی هم‌چون الگوبرداری از انقلاب اسلامی ایران و گرد آمدن حول محور دین و مخالفت با اسرائیل را می‌توان در این راستا ارزیابی کرد.

با توجه به اظهارات راشدالغنوشی و مواضع دولت جدید تونس در ارتباط با مسائلی چون سیستم سیاسی، اسلام‌گرایی و هم‌چنین نحوه برخورد با موضوع اختلافات و مناقشات فلسطین و اسرائیل که از جمله مؤلفه‌های مهم مدنظر ایران در ارتباط با تعاملش با تحولات اخیر در منطقه و از جمله در کشور تونس بوده است، می‌توان بیان داشت اگر چه رهبران جدید تونس در صدد برپایی حکومت اسلامی در این کشور نبوده‌اند اما با توجه به زمینه‌ها و بسترهای فرهنگی موجود در تونس ایران سعی در تأثیرگذاری بر این جامعه دارد.

لیبی: در مورد لیبی، نگاه ایران متفاوت است. ایران و لیبی در گذشته روابط محتاطانه و واقع‌گرایانه‌ای را تنظیم کرده بودند. قذافی به ایران در جنگ با عراق کمک کرد. اما موضوع ناپدید شدن امام موسی صدر در ۱۹۷۸، بر روابط دو کشور سایه انداخت. سیاست کلی ایران در لیبی حمایت از جنبش‌های مردمی بود. البته یک چالش مهم برای ایران، دخالت نیروهای ناتو و غربی در این بحران بود. از نظر ایران، اتصال امنیت منطقه به امنیت بین‌المللی و توجیه حمله پیشگیرانه برای حفظ ارزش‌های دموکراتیک هم‌چون دموکراسی یا مبارزه با تروریسم و غیره، دست قدرت‌های غربی را برای تفسیر گسترده در استفاده از زور و در بعضی موارد جهت تأمین منافع خود در بدبینانه‌ترین حالت و حفظ ارزش‌های غربی در خوشبینانه‌ترین حالت، باز می‌گذارد. که این امر نیز خود به یکی از عوامل گسترش افراط‌گرایی و بی‌ثباتی بیشتر در منطقه خاورمیانه تبدیل شده است. (بیات، ۱۳۹۰: ۱۶۴).

یمن: از آغاز اختلافات و اعتراضات مردمی در یمن، ایران حمایت خود را از جنبش‌های مردمی در این کشور اعلام کرد. دولت یمن به دلیل مجاورت با عربستان (رقیب ایران در خاورمیانه) اهمیت زیادی دارد. از این رو کمک‌های کامل خود را چه در زمینه لجستیکی و چه در زمینه استراتژیکی و مشاوره‌ای، به انقلابیون یمن ارائه نموده است. مقامات ایران اعلام کردند از جنبش‌های مردمی یمن تا دست‌یابی به اهداف خود حمایت کامل می‌نماید. با حمله عربستان به یمن در فروردین ۱۳۹۴ ایران این حمله را محکوم و از جنبش یمن حمایت کرد.

مصر: با وقوع تحولات انقلابی در مصر ایران از جنبش انقلابی مصر حمایت کرد. از نظر ایران «مصر کشوری با اهمیت ژئواستراتژیک، جمعیت زیاد، برخورداری از فرهنگ، تاریخ و هویت قوی، جامعه‌ی پویا و در نتیجه یک بازیگر مهم در جهان عرب و جهان اسلام است. ایران خواهان تقویت روابط با حکومت آینده مصر، اعم از حکومت ملی یا اسلام‌گرا است. مهم‌ترین مسأله برای ایران، خروج مصر از رهبری ائتلاف ضد ایرانی در جهان عرب، همانند رژیم مبارک که تحت استراتژی آمریکا و اسرائیل بود، است. بی‌تردید توسعه‌ی روابط ایران با یک مصر قدرتمند، تأثیرات زیادی بر معادلات سیاسی-امنیتی منطقه‌ای به نفع ایران خواهد داشت» (موسوی، ۱۳۹۱: ۱۵۰). ایران از سرنگونی مبارک حمایت کرد و کوشید با دولت جدید مصر روابط نزدیکی برقرار کند. بر این اساس از جنبش مردم مصر و سپس از دولت مرسى حمایت کرد. اما موضع‌گیری‌های مرسى و بی‌ثباتی در مصر ایران را به تردید در تداوم حمایت از دولت مرسى کشاند. برای ایران تقویت روابط دو جانبه با مصر، به نوع نگاه حکومت آینده آن کشور و به نقش منطقه‌ای ایران بستگی دارد. بی‌تردید برای حکومت جدید مصر، برقراری روابط متعادل و نزدیک با ایران، یعنی یکی از قدرتمندترین کشورهای غیرعرب منطقه و مهم‌ترین بازیگر حوزه‌ی خلیج فارس، از لحاظ توازن قدرت منطقه‌ای و معادلات جهانی حائز اهمیت زیادی است. این تحول می‌تواند موضع مصر را در روابط با رژیم اسرائیل، در دو جهت روند صلح اعراب و اسرائیل و خلع سلاح عمومی هسته‌ای در خاورمیانه تقویت کند. در همین چهارچوب، برخلاف تصور غالب در غرب، تقویت نقش اسلام‌گراها و اخوان‌المسلمین، که مدل متفاوت ایدئولوژیکی از اسلام در مقایسه با مدل ایران که مبتنی بر «وحدت اسلامی» است ارائه می‌دهند، الزاماً به معنای تقویت روابط ایران و مصر نیست (بیات، ۱۳۹۰: ۱۶۷).

سوریه: سوریه نقش حیاتی در اتصال استراتژیک ایران به منطقه مدیترانه و خاور نزدیک

دارد. علاوه بر این دمشق متحد استراتژیک ایران در طول جنگ ایران و عراق بوده است و همچنین دو پایتخت حمایت جدی خود را از حزب الله و همچنین نفرت گسترده‌ی خود را از اسرائیل به اشتراک گذاشته‌اند. جبهه‌ی مقاومت با مشارکت ایران و سوریه و حزب الله و گروه‌های فلسطینی که تشکیل شده است به ستون اصلی سیاست‌های منطقه‌ای و به‌طور وسیع‌تر به ستون اصلی سیاست خارجی ایران تبدیل گشته است. به همین دلیل، برخلاف سایر نقاط جهان عرب، ایران با نگاهی متفاوت و مبتنی بر منافع و استراتژی، تحولات سوریه را دنبال کرده است. ایران از یک سو با نگاهی محتاطانه به این تحولات نگرینسته که عناصر خارجی (آمریکا، اسرائیل و عربستان) بر شدت آن می‌افزایند و از سوی دیگر، با درخواست اصلاحات در سوریه و در چهارچوب حکومت حاکم و تا جایی که منجر به تضعیف قدرت و امنیت ملی سوریه در مبارزه با رژیم اسرائیل نشود، حمایت کرده است. این امر حتی می‌تواند بر مشروعیت حکومت بشار اسد بیافزاید و در نهایت منجر به حفظ اتحاد سنتی ایران و سوریه شود. اگر اسد سقوط کند ایران متحد استراتژیک خود را که پیوند حیاتی بین ایران و حزب الله برقرار می‌کرد را از دست خواهد داد (مسعودنیا، ۱۳۹۰: ۱۴۲). این سقوط می‌تواند منجر به روی کار آمدن اسلام‌گرایان سنی با جهان‌بینی ضد شیعی و ضد ایرانی به جای بشار اسد گردد. بنابراین ایران برای حفظ محور مقاومت و جلوگیری از روی کار آمدن اسلام‌گرایان سنی مخالف ایران دست به حمایت از بشار اسد می‌زند. بر این اساس نگاه ایران در مورد بحران سوریه بیشتر مبتنی بر حمایت از دولت اسد بوده است.

بحرین: موج جدید اعتراضات مردم بحرین علیه حاکمیت این کشور از ۱۴ فوریه ۲۰۱۱ هم‌زمان با امواج اعتراضات مردمی در جهان عرب آغاز شده است و با ورود نیروهای عربستان سعودی و امارات متحده عربی تحت پوشش سپر جزیره در ۱۴ مارس ۲۰۱۱، به خاک بحرین وارد مرحله جدیدی شد. به طور کلی می‌توان ریشه‌های بحران بحرین را این‌گونه دسته‌بندی کرد:

- (۱) حکومت اقلیت سنی بر اکثریت شیعیان
- (۲) ممانعت از مشارکت سیاسی شیعیان
- (۳) تغییر بافت جمعیتی بحرین: حکومت بحرین برای تغییر بافت جمعیتی این کشور به نفع اهل سنت به مهاجران سنی از کشورهای چون پاکستان، بنگلادش، اردن و... تابعیت داده که اکثر آن‌ها هیچ تخصصی هم ندارند و به امید گرفتن زمین به بحرین می‌آیند. همچنین حکومت بحرین از این افراد در تشکیلات نظامی و پلیس استفاده می‌کند که خود

نشان از تبعیض شدید مذهبی در این کشور دارد.

۴) فاصله طبقاتی و توزیع ناعادلانه ثروت (هاشمی نسب، ۱۳۸۹: ۲۳). از آنجا که بحرین یک کشور شیعه است، ایران هم به‌طور طبیعی همانند هر کشور دیگری به حق و حقوق هم‌نوعان و هم‌مذهبان خود در منطقه حساس است. از آغاز بحران بحرین گروه‌های مختلف داخلی و به‌طور کلی مردم عادی نیز نوعی حس همبستگی و حمایت از هم‌نوعان نسبت به سرکوب مردم در بحرین داشته‌اند. این امر نشان می‌دهد که مسأله بحرین در سطح افکار عمومی ایران بسیار با اهمیت است. هم‌چنین با توجه به اینکه عربستان سعودی با ارسال نیروهای نظامی خود به بحرین و سرکوب مخالفان شیعی، این موضوع را به یک موضوع فرقه‌ای مربوط به رقابت «شیعه و سنی» تبدیل کرده است، نه تنها واکنش ملت ایران بلکه ملت‌های شیعه دیگر در عراق و لبنان و غیره را در پی داشته است. و به مسائل فرقه‌ای که یکی از خطرناک‌ترین شکل منازعه در خاورمیانه و منبع اصلی بی‌ثباتی برای امنیت منطقه و امنیت جهانی است، دامن زده است (نجفی، ۱۳۹۲: ۱۹۴).

ماهیت رقابتی و پر تحول بیداری اسلامی به گونه‌ای است که همه بازیگران اصلی منطقه سعی دارند نظم جدیدی را براساس منافع و امنیت ملی خود تقویت کنند. ایران نیز در نقش یکی از دولت‌های مهم منطقه‌ای و دارای نگرانی‌های امنیتی از این امر مستثنی نیست. پس از تحولات انقلابی بحرین، زمینه جدیدی با توجه به تحولات ژئوپلیتیک در شکل و ساخت قدرت در این کشور در حال شکل‌گیری است. در یک سو ایالات متحده و متحدان قدیمی‌اش در منطقه (عربستان سعودی و اسرائیل) هستند که خواهان حفظ توازن سنتی با تسلط کامل بر جریان‌های سیاسی و امنیتی در بحرین هستند و در سوی دیگر ج.ا.ا قرار دارد که الزاماً خواهان به‌هم زدن وضع موجود نیست: اما با افزایش پایه‌های قدرت و نقش خود در پرتو تحولات منطقه‌ای خواهان ایفای نقش بیشتری با رویکرد منطقه‌ای و از زاویه‌ی حفظ منافع ملی خود است.

ایران که در طول تاریخ بر این کشور جزیره‌ای حکمرانی کرده است و تشابهات مذهبی با اکثریت مردم بحرین را دارد، نمی‌تواند فقط نظاره‌گر این تحولات باشد. اکنون سیاست خارجی ج.ا.ا میانه‌ی یک فرصت طلایی و در عین حال یک تهدید جدید برای منافع و امنیت خود قرار گرفته است. ایران با تقویت حس انقلابی نشأت گرفته از انقلاب اسلامی ایران و حمایت از نقش بیشتر شیعیان در تحولات منطقه، مخالف هرگونه دخالت و حضور قدرت مداخله‌گر فرامنطقه‌ای در بحرین است و با برگزاری مانورهای نظامی در خلیج فارس و تنگه هرمز بر ایفای نقش خود در منطقه و رسیدن شیعیان بحرین به

وضعیت مطلوب تر و شرکت دادن شیعیان در اداره امور کشور بحرین تأکید دارد.

افتراقات و اشتراکات مواضع ایران و ترکیه در قبال تحولات خاورمیانه

ج.ا.ا و ترکیه هریک از منظری خاص به تحولات اخیر در خاورمیانه و شمال آفریقا نگریسته‌اند. از دیدگاه مقامات سیاسی ایران این تحولات هم‌چون دنباله‌ای از انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ می‌باشد و همان‌گونه که در آن زمان مردم ایران علیه دیکتاتوری شاه قیام کرده و یک نظام سیاسی اسلامی را در ایران بر پا داشتند، مردم در کشورهای متأثر از این تحولات و از آن جمله در تونس، مصر و لیبی نیز علیه دیکتاتوری کشور خود به پا خاسته و درصدد بوده‌اند تا با تأسی از نظام اسلامی مستقر در ایران احکام و سنن و مناسبات سیاسی و اجتماعی شریعت اسلام را در جامعه خود برقرار کند. اما در طرف دیگر نخبگان ترکیه تحولات اخیر در خاورمیانه را به‌عنوان یک مرحله گذار، گذاری از دولت‌های تمامیت‌خواه به سمت سیستم‌های سیاسی و لیبرال مدنظر قرار داده‌اند.

در ارتباط با تحولات در کشور تونس چون حجم تجارت و نیز سرمایه‌گذاری‌های ترکیه در این کشور بسیار پایین بوده است، ترکیه از همان آغاز جنبش به حمایت از آن پرداخت و از لزوم گذار تونس به دموکراسی سخن گفت و تلاش داشت تا سیستم سیاسی خود را به‌عنوان مدلی که می‌تواند از سوی دولت‌مردان آینده این کشور مورد توجه قرار گیرد، مطرح کند. تلاش‌های دولت ترکیه با موفقیت همراه بود و پس از سقوط دولت بن علی، راشد الغنوشی به‌عنوان رهبر معنوی جنبش تونس و یکی از مهم‌ترین مخالفان رژیم سابق و نیز برخی دیگر از مخالفان اصلی که در روند تحولات این کشور نقش مهمی ایفا نموده‌اند، پیوسته علاقه‌مندی خود را برای روی کار آمدن یک سیستم سیاسی مشابه مدل ترکیه ابراز داشته‌اند. بنابراین با استقرار دولت جدید در تونس روابط سیاسی و اقتصادی و سیاسی و فرهنگی میان دو دولت به‌صورت قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته است. (صباحی، ۱۳۹۱: ۱۰۴).

در رابطه با تعامل ایران با تحولات در تونس از آنجا که روابط دو کشور پس از انقلاب هیچ‌گاه مستحکم و دوستانه نبود، مقامات دولتی ایران با آغاز جنبش در این کشور حمایت خود را از آن اعلام کرده و امیدوار بودند مخالفان بن علی با الگوبرداری از انقلاب ایران یک رژیم سیاسی اسلام‌گرا را که با سیاست‌های منطقه‌ای ایران به‌ویژه در مورد موضوع اسرائیل و فلسطین همراه باشد، در این کشور مستقر سازند. ولی شواهد

تاکنون حکایت از این داشته که نخبگان سیاسی جدید تونس در صدد برپایی حکومتی اسلامی مشابه دولت ایران نبوده و یک سیستم سیاسی سکولار و دموکراتیک هم چون سیستم سیاسی ترکیه را ترجیح می دهند.

اشتراکات ایران و ترکیه در انقلاب تونس: به علت عدم وجود سطح بالای همکاری ایران و ترکیه با تونس، ایران و ترکیه بدون نگرانی از آسیب دیدن روابط خود با تونس حمایت خود را از جنبش‌های مردمی در این کشور اعلام نمودند تا بتوانند دروازه‌ی جدیدی را در ایجاد روابط و همکاری‌ها با این کشور بگشایند.

افتراقات ایران و ترکیه در انقلاب تونس: ایران و ترکیه هر کدام طبیعتاً به دنبال پیاده‌سازی نظام سیاسی مدنظر خود در تونس بودند. طوری که این عرصه به رقابتی جدی بین ایران و ترکیه در ایجاد بسترها برای پیاده‌سازی نظام سیاسی مدنظرشان، تبدیل گشت. اما آنچه که در سیستم سیاسی تونس در عمل تاکنون شاهدیم، سیستم سیاسی در این کشور برگرفته از مدل ترکیه است (صبحی، ۱۳۹۱: ۱۰۷).

در مورد مصر و نحوه تعامل ترکیه، دولت ترکیه با تحولات این کشور به دلایلی هم چون رقابت استراتژیکی دو دولت در منطقه در دوره ریاست جمهوری مبارک، پایین بودن سطح روابط اقتصادی در آن دوره و هم‌چنین نزدیکی دیدگاه‌های سیاسی و اجتماعی مقامات حزب عدالت و توسعه که دولت را در ترکیه در اختیار داشته‌اند و افراد شاخص گروه اخوان المسلمین به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و فعال‌ترین گروه‌های مخالف رژیم مبارک، باعث شد دولت ترکیه در طول قیام مردم مصر از آن‌ها حمایت کند. با سقوط مبارک و انتخاب مرسی و نزدیکی ایده‌های سیاسی و داخلی و منطقه‌ای آن با دولت ترکیه، روابط دو کشور در بیشتر زمینه‌ها در حال گسترش بود ولی به دنبال وقوع کودتای ارتش علیه دولت مرسی و برکناری وی و در پی آن مخالفت شدید ترکیه با این اقدام روابط دو کشور تیره شده و در حال حاضر نیز به دلیل تغییرات پی در پی و تداوم بی‌ثباتی سیاسی و اجتماعی در مصر نمی‌توان تحلیل دقیقی از آینده روابط دو کشور ارائه داد.

در موضوع تعامل ایران با تحولات مصر می‌توان بیان داشت دولت ج.ا.ا به دلیل اینکه با این کشور روابط سیاسی نداشت و هم‌چنین دو کشور استراتژی‌های متفاوتی را در منطقه دنبال می‌کردند، هم‌زمان با آغاز اعتراضات در این کشور به حمایت گسترده از این اعتراضات پرداخت. دولت ایران از ابتدای انتخاب مرسی حمایت کامل خود را از آن اعلام نمودند اما در طول یک سالی که وی حکومت را در مصر در اختیار داشت تغییری اساسی در روابط دو کشور ایجاد نشد. این دولت هم‌چنین به روابط خوب پیشین با غرب

ادامه داد. پس از کودتا و استقرار دولت جدید نیز به دلیل تمایلات سکولاریستی این دولت و همچنین روابط گرم آن با عربستان سعودی و همچنین انتظار تداوم روابط معمول مصر با ایالات متحده نمی‌توان به تقویت روابط دوکشور حداقل در آینده امیدوار بود. **اشتراکات ایران و ترکیه در انقلاب مصر:** با توجه به عدم وجود روابط نزدیک ایران و ترکیه با رژیم مبارک و وجود استراتژی‌های متفاوت ایران و مصر در دوره مبارک و همچنین وجود رقابت اسراتژیکی ترکیه و مصر، ایران و ترکیه به حمایت از جنبش‌های مردمی مصر پرداختند. در حمایت از دولت جدید پس از سقوط مبارک نیز هر دو کشور نظر مشترک داشتند اما در دوره زمامدارن جدید مصر (کودتاچیان علیه مرسی) ایران و ترکیه دچار اختلاف شدند.

افتراقات ایران و ترکیه در انقلاب مصر: عدم وجود تغییر در روابط ایران و مصر در دوره پس از مبارک (در دوره زمامداری مرسی). ایجاد روابط دوستانه ترکیه و مصر در دوره مرسی و گسترش همکاری‌ها در این دوره. در دوره حکومت کودتا مواضع ایران در قبال این حکومت به دلیل وجود تمایلات سکولاریستی حکومت جدید مصر، خوشبینانه نیست اما وجود تمایلات سکولاریستی حکومت جدید مصر می‌تواند به ایجاد روزه‌ای جدید از لحاظ فرهنگی در روابط ترکیه و مصر بیانجامد (Elagati, ۲۰۱۳: ۱۶).

درمورد لیبی و نحوه تعامل ترکیه با تحولات در این کشور بایستی اشاره نمود که، از آنجا که ترکیه منافع اقتصادی گسترده‌ای را در این کشور در دوره حکومت قذافی کسب کرده بود، با شروع مخالفت‌ها در این کشور سیاست محتاطانه‌ای در پیش گرفت اما هنگامی که از سوی مخالفان متهم به همکاری با رژیم قذافی برای ماندگاری وی در قدرت و تثبیت اوضاع به نفع وی شد، به منظور حفظ منافع خود و در یک تغییر جهت عمده و سریع به مخالفت با رژیم قذافی و حمایت از شورای انتقالی لیبی پرداخت. پس از مدتی با سقوط قذافی و همچنین برگزاری انتخابات پارلمانی در این کشور و پیروزی جریان ملی‌گرا-لیبرال‌ها و انتخاب نامزد این جریان به‌عنوان نخست‌وزیر لیبی از سوی کنگره ملی آن کشور و نیز نزدیکی دیدگاه‌های سیاسی دولت جدید این کشور و دولت ترکیه، دولت ترکیه هم به دلیل افزایش منافع اقتصادی خود در این کشور و هم به منظور آغاز روند گذار این کشور به عصر نوینی از حمایت دموکراتیک توانسته است به بخش قابل توجهی از اهداف خود در لیبی دست یابد.

در موضوع نحوه تعامل جمهوری اسلامی ایران با روند تحولات در کشور لیبی می‌توان بیان داشت به دلیل روابط خوب ایران و لیبی با رژیم قذافی و نیز به سبب مخالفت‌های

گاه و بی‌گاه قذافی با سیاست‌های غرب و به‌ویژه ایالات متحده آمریکا و ضدیت وی با اسرائیل و نزدیکی که بدین لحاظ میان سیاست‌های منطقه‌ای دو کشور وجود داشت، دولت ج.ا.ا در آغاز تحولات در این کشور سیاست‌های محتاطانه‌ای در پیش گرفت و با حمله نظامی ناتو به این کشور مخالفت کرد. اما با سقوط رژیم قذافی به تدریج حمایت خود را از مخالفان و شورای انتقالی افزایش داد و پیوسته تاکنون در تلاش بوده است تا روابط خود را با این کشور در دوره جدید حاکمیتی آن گسترش دهد. پس از برگزاری انتخابات پارلمانی این کشور و پیروزی ائتلاف نیروهای ملی‌گرا و لیبرال انتخاب نامزد این ائتلاف به نخست‌وزیری و دیدگاه‌های سکولاریستی و نیز تداوم روابط معمول این کشور با دولت‌های غربی و ایالات متحده و برخلاف دوره رژیم سابق عدم ابراز مخالفت سرسختانه و شدید با رژیم اسرائیل به نظر نمی‌رسد در شرایط کنونی تغییری در سطح و میزان روابط دو کشور به وجود آید (صبوحی، ۱۳۹۱: ۱۱۸).

اشتراکات ایران و ترکیه در انقلاب لیبی: در پیش‌گیری سیاست محتاطانه ایران و ترکیه و حمایت از رژیم قذافی در آغاز مخالفت‌های مردمی علیه این رژیم هم‌چنین تغییر جهت تدریجی ایران و ترکیه از حمایت از قذافی به سمت حمایت از مخالفان و شورای انتقالی. **افتراقات ایران و ترکیه در انقلاب لیبی:** روی کار آمدن جریان ملی‌گرا و لیبرال در لیبی بعد از قذافی و نزدیکی دیدگاه‌های سیاسی دولت جدید لیبی با دولت ترکیه. عدم وجود اشتراکات سیاسی بین ایران و دولت جدید لیبی. تداوم روابط معمول دولت جدید لیبی با دولت‌های غربی و آمریکا و عدم ابراز مخالفت سرسختانه با رژیم اسرائیل که نتیجه آن را می‌توان به عدم وجود روابط شکوفا بین ایران و رژیم جدید لیبی دانست (صادقی، ۱۳۸۹: ۲۶۳).

سیاست خارجی کشور ترکیه در برابر تحولات داخلی سوریه، تا حدود زیادی متفاوت به نظر می‌رسد. از همان روزهای نخست شروع اعتراضات مخالفان حکومت سوریه، دولت ترکیه حمایت از اپوزیسیون سوریه را آغاز کرد و ضمن ترغیب دولت سوریه به انجام اصلاحات، در اغلب موارد موضع‌گیری‌های نسبتاً تندی در برابر نحوه برخورد با مخالفان اتخاذ کرد. از جمله اقدامات دولت ترکیه در همراهی با مخالفان دولت بشار اسد، می‌توان به پرپایی اردوگاه‌های پناهندگی برای مخالفان در داخل مرزهای خود با سوریه و برگزاری نشست سران مخالفان سوری در خاک ترکیه (شهر استانبول)، تحت عنوان «شورای آزادی بخش ملی سوریه» اشاره نمود.

نقش ایران در مقابل بحران سوریه کاملاً متفاوت از نقشی بوده که ترکیه در مقابل این

بحران ایفا نموده است. دولت ایران حمایت کامل خود را از بشار اسد اعلام نموده است و کمک‌های لجستیکی و استراتژیکی فراوانی را به دولت بشار اسد تا این مدت ارائه نموده است (صبحی، ۱۳۹۱: ۱۲۲).

اشتراکات ایران و ترکیه در بحران سوریه: با توجه به حمایت ترکیه از اپوزیسیون سوریه و حمایت دولت ایران از رژیم بشار اسد، نمی‌توان شاهد موضع مشترکی در مواضع ایران و ترکیه در قبال این بحران باشیم.

افتراقات ایران و ترکیه در بحران سوریه: سوریه به عنوان متحد استراتژیک ایران و ستون اصلی ایران در رابطه با دسترسی به لبنان و گروه‌های شیعی در آن کشور از جمله حزب الله است طبیعتاً برای حفظ منافع ملی ایران در آن مناطق، دولت ایران حمایت‌های گسترده‌ای را از رژیم بشار اسد می‌نماید. در مقابل دولت ترکیه نیز مخالف سرسخت بشار اسد و خواهان سرنگونی رژیم اسد است.

رویکرد ترکیه در خصوص بحران یمن این‌گونه است که ترکیه به دلیل وجود منافع اقتصادی در یمن و همچنین به دلیل این که از نفوذ ایران (که از طریق حمایت از اپوزیسیون دولت یمن به دست آورده بود) در یمن بکاهد و به نوعی مانع از افزایش وزنه ایران در تحولات یمن به عنوان رقیب ترکیه و عربستان در این کشور محسوب گردد، دولت و معترضان را به انتخاب راه‌های مسالمت آمیز چون مذاکره برای حل این بحران دعوت نمود.

دولت ایران نیز طبیعتاً خواهان روی کار آمدن دولتی در یمن است که بتواند منافع ایران را در یمن یعنی کشوری که در جنوب رقیب اصلی ایران در خاورمیانه (عربستان) قرار دارد تأمین کند، می‌باشد.

اشتراکات ایران و ترکیه در بحران یمن: با توجه به حمایت ایران از معترضین و جنبش‌های مردمی در یمن و حمایت ترکیه از راه‌حل‌های مسالمت آمیز در حل بحران و به نوعی حمایت از دولت عبدالله صالح در یمن، نمی‌توان شاهد اشتراکاتی در این بحران بود.

افتراقات ایران و ترکیه در بحران یمن: از وجود افتراقات در مواضع ایران و ترکیه در بحران یمن می‌توان به حمایت ترکیه از دولت عبدالله صالح و حمایت ایران از جنبش‌های شیعی در این کشور اشاره نمود (صادقی، ۱۳۸۹: ۲۶۱).

در خصوص بحران در بحرین، ترکیه سعی می‌کند در جهت حفظ منافع استراتژیک خود در خلیج فارس، همراهی خود با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در تحولات

بحرین را به‌رغم برخی انتقادات حفظ نماید. بر این اساس، نخست‌وزیر ترکیه عنوان نمود که مداخله شورای همکاری خلیج فارس در بحرین را نمی‌توان به‌عنوان دخالت خارجی قلمداد کرد؛ چراکه نیروهای سپر جزیره به‌عنوان نیرویی منطقه‌ای است که به‌صورت بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است. وی اضافه کرد ترکیه در امور دیگران دخالت نخواهد کرد، اما به انتقادات دوستانه و سازنده خود ادامه خواهد داد. در همین راستا، ارشاد هورموزلو، مشاور اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه نیز در گفت‌وگوی خود با شبکه العربیه در تشریح موضع آنکارا درباره مسأله بحرین گفت «ترکیه با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس توافقنامه همکاری استراتژیک دارد و در تلاشیم تا تجارت آزاد با این کشورها را راه‌اندازی کنیم و ما در این موقعیت در کنار شورای همکاری هستیم».

در خصوص تعامل ایران با بحران بحرین، حوادث بحرین هم از بعد ملی و هم از بعد ارزشی-ایدئولوژیک برای ایران حائز اهمیت زیادی است. سقوط حکومت اقلیت دست‌نشانده در بحرین می‌تواند باعث روی کار آمدن حکومت شیعه شود بنابراین با روی کار آمدن حکومت شیعی و گسترش مناسبات جمهوری اسلامی ایران با آن و تضعیف عربستان سعودی به‌عنوان رقیب عمده ایران در منطقه و شورای همکاری خلیج فارس و در نهایت محدودشدن دسترسی نظامیان آمریکا به پایگاه‌های آنان در منطقه خواهد شد.

اشتراکات ایران و ترکیه در بحران بحرین: از اشتراکات ایران و ترکیه در بحران بحرین می‌توان گفت که: ایران و ترکیه هر دو به دنبال یافتن نقش استراتژیکی در بحرین اما به گونه‌ای متفاوت هستند. ترکیه به دنبال ارتقای روابط خود با دولت بحرین در چارچوب همراهی با شورای همکاری خلیج فارس است و ایران نیز به دنبال افزایش نقش خود با حمایت از جنبش‌های مردمی علیه رژیم آل خلیفه است (نجفی، ۱۳۹۲: ۱۹۷).

افتراقات ایران و ترکیه در بحران بحرین: بحران بحرین برای ایران حائز اهمیت در بعد ارزشی و استراتژیکی است زیرا در صورت پیروزی شیعیان در بحرین و به دست گرفتن قدرت توسط شیعیان در این کشور، این امر باعث تضعیف عربستان و تقویت موقعیت ایران در منطقه می‌گردد. امری که ترکیه چندان با آن موافق نیست و سعی دارد با حفظ وضع موجود از ایجاد تغییر در موازنه منطقه‌ای به سود ایران جلوگیری کند.

جدول ۲: اشتراکات و افتراقات ایران و ترکیه در تحولات خاورمیانه

اشتراکات	افتراقات	
<p>اختلاف نظر در باره نظام سیاسی جایگزین ترکیه: حمایت از نظام سکولار.</p> <p>ایران: حمایت از نظام اسلامگرا.</p>	<p>سکوت اولیه در قبال آغاز جنبش</p> <p>حمایت دو کشور ایران و ترکیه از جنبشهای مردمی</p>	تونس
<p>اختلاف نظر در باره مداخله ناتو (ترکیه حمایت ولی ایران مخالفت)</p> <p>اختلاف نظر در باره نظام سیاسی جایگزین ترکیه: حمایت از نظام سکولار.</p> <p>ایران: حمایت از نظام اسلامگرا</p>	<p>عدم حمایت از مخالفان حکومت قذافی در اوایل جنبش</p> <p>تغییر جهت دو کشور در مخالفت با حکومت قذافی و حمایت از شورای انقلابی</p>	لیبی
<p>حمایت ترکیه از روی کار آمدن نظام سیاسی سکولار</p> <p>حمایت ایران از اسلامگرایی.</p>	<p>حمایت دو کشور ترکیه و ایران از جنبشهای مردمی</p> <p>حمایت دو کشور ترکیه و ایران از دولت مرسی</p>	مصر
<p>حمایت ترکیه از اپوزیسیون بشار اسد</p> <p>حمایت ایران از دولت بشار اسد</p>	فقدان اشتراک	سوریه
<p>حمایت ترکیه از حل مسالمت امیز اختلافات مردم و دولت علی عبدالله صالح،</p> <p>حمایت ایران از جنبشهای مردمی در این کشور</p>	فقدان اشتراک	یمن
<p>حمایت ایران از تغییر وضع موجود و موازنه</p> <p>حمایت و دفاع ترکیه از حفظ وضع موجود</p> <p>حمایت ترکیه از حکومت ال خلیفه در بحرین</p> <p>حمایت ایران از جنبشهای مردمی در این کشور.</p>	فقدان اشتراک	بحرین

چشم‌انداز آینده‌ی روابط ایران و ترکیه

از سال ۲۰۱۱ و با آغاز بحران در سوریه که شاهد ایجاد تنش در روابط سیاسی ایران و ترکیه بودیم به طور هم‌زمان ترکیه به مستحکم کردن روابط خود با ناتو و ایالات متحده پرداخت. پرسشی که در اینجا مطرح می‌گردد اینکه: چگونه روابط ایران و ترکیه در آینده گسترش خواهد یافت؟ آیا تفاوت‌ها در حوزه سیاسی بین تهران و آنکارا نشان دهنده‌ی تفاوتی موقتی و گذرا در روابط سیاسی است یا بالعکس نشان دهنده‌ی تفاوتی اساسی‌تر، که به احتمال زیاد منجر به رویارویی میان تهران و آنکارا می‌گردد، است؟

پاسخ به این سؤالات آسان نیستند. مسیر پیش‌رو مملو از عدم قطعیت است که بیشتر به تکامل بحران در سوریه بستگی دارد. زیرا اسد ثابت کرده است که بسیار سرسخت‌تر از اردوغان و بسیاری از رهبران غربی است. با وجود تماس‌هایی از اردوغان و اواما برای اسد مبنی بر دست کشیدن از قدرت، ما شاهد سرسختی بیشتر اسد در حفظ قدرت هستیم. «سیاست ایالات متحده آمریکا در متقاعد کردن بشار اسد مبنی بر اینکه او شانس کمی برای پیروزی دارد جنگی تمام عیار داخلی را در پی داشته و منجر به انتقال مذاکرات بین مخالفین و دولت بشار اسد به سمت دولت کثرت‌گراتر و کمتر استبدادی گشته است. اما با آغاز برخی تحولات در کشورهای همسایه‌ی ایران مانند ترکیه و انتخاب حسن روحانی به عنوان فردی معتدل در سیاست خارجی، ما شاهد ترمیم زخم‌های داخلی و بین‌المللی ایران در منطقه و جهان هستیم. بنابراین یکی از کارهای دولت روحانی ارتقا و گسترش روابط اقتصادی و کاهش تنش‌های سیاسی با همسایگان از جمله ترکیه از طریق بهبود روابط اقتصادی است» (Larabee, ۲۰۱۳: ۳۵). بنابراین احتمال این که تحولات خاورمیانه خصوصاً تحولات سوریه بتواند بر روابط اقتصادی ایران و ترکیه تأثیر منفی بگذارد و مانع به ۳۰ میلیارد دلار رساندن مبادلات تجاری دو کشور در سال ۲۰۱۵ گردد، بسیار کم است. با توجه به گستردگی روابط سیاسی و خصوصاً اقتصادی ایران و ترکیه، نمی‌توان شاهد واگرایی در روابط دو کشور بود. زیرا از لحاظ سیاسی ترکیه عامل مهمی در ضدیت با غرب و آمریکا در خصوص تحریم‌های ضد ایران است. زیرا تحریم دولت ایران بر روابط اقتصادی ایران و ترکیه ضربه می‌زند، به خصوص در حوزه‌ی انرژی که ترکیه نفت خام و گاز طبیعی خود را از ایران به عنوان دومین تولیدکننده انرژی ترکیه وارد می‌کند (شریفیان، ۱۳۹۱: ۱۶۸).

مطالعه مواضع ایران و ترکیه در قبال تحولات منطقه نشان‌دهنده دیدگاه مشترک درباره ایجاد تغییرات است. اما درباره جایگزین‌ها اختلاف نظر وجود دارد. حتی درباره سوریه

نیز چنین است. دو کشور درباره اصل اصلاحات مواضع نزدیک به هم دارند. اما ترکیه معتقد به برکناری اسد و ایجاد تغییرات است، در حالی که ایران معتقد اصلاحات با حفظ حکومت اسد است. دو کشور با توجه دیدگاه خود نسبت به تحولات و نظام‌های جایگزین موضع‌گیری کرده‌اند و درباره جایگزین‌ها با یکدیگر رقابت می‌کنند. اما این رقابت نمی‌تواند پایه‌های اساسی روابط آن‌ها را متزلزل سازد. به‌ویژه آن‌که در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی ایران و ترکیه وابستگی متقابل دارند. درحوزه اقتصادی ترکیه به ایران در حوزه انرژی وابسته است و در حوزه سیاسی با توجه به فشارهای غرب و آمریکا، ایران به ترکیه نیاز دارد. با توجه به این وابستگی متقابل در دو حوزه اقتصادی و سیاسی روابط ایران و ترکیه روابطی نسبتاً پایداری خواهد بود. البته عواملی در آینده روابط دو کشور را تحت تأثیر قرار خواهد داد. عواملی مانند: مسائل هسته‌ای ایران، مسأله فلسطین و روابط ترکیه با اسرائیل، قرائت خاص ترکیه از اسلام استقرار سپر دفاع موشکی ناتو در خاک ترکیه و سیاست خارجی چندوجهی و منطقه‌ای ترکیه در قبال تحولات آینده خاورمیانه، است (بیات، ۱۳۹۰: ۱۵۴). ترکیه از جمله بازیگرانی است که نقش پررنگی در تحولات منطقه دارد. موضع‌گیری‌های متفاوت دولت عدالت و توسعه در برابر تحولات اخیر نشان از برخی تغییرات در سیاست به صفر رساندن مشکلات با همسایگان در سیاست خارجی ترکیه دارد. موضع‌گیری‌های متفاوت ترکیه در مقابل تحولات سوریه و بحرین بی‌شک روابط ایران و ترکیه را در حوزه سیاسی و نه اقتصادی آینده تحت تأثیر قرار می‌دهد (Larrabee، ۲۰۱۳: ۳۴).

جدول ۳: سیر تحول روابط ایران و ترکیه (حال و آینده)

روابط فعلی ایران و ترکیه (از ژانویه ۲۰۱۰ تا اوایل ۲۰۱۵)	سیاسی	سردی روابط و سطح روابط متوسط
سناریوی ۱	فرهنگی	حفظ روابط در سطح متوسط و عدم گسترش آن
	اقتصادی و تجاری	حفظ روابط در سطح بالا
	سیاسی	حفظ روابط در سطح کنونی
سناریوی ۲	فرهنگی	ارتقای روابط کنونی
	اقتصادی و تجاری	ارتقای روابط موجود و گسترش همکاری
	سیاسی	کاهش روابط
سناریوی ۳	فرهنگی	حفظ روابط موجود
	اقتصادی و تجاری	عدم تغییر روابط کنونی و حفظ آن
	سیاسی	بهبود و رفع سردی روابط
سناریوی ۴	فرهنگی	ارتقا سطح و گسترش روابط کنونی
	اقتصادی و تجاری	ارتقا و گسترش روابط از سطح موجود

سناریوهای محتمل در روابط آینده ایران و ترکیه

نتیجه‌گیری

ایران و ترکیه در بستر تحولات خاورمیانه مسائل و تضاد منافع دارند. اما اشتراکات موجود در مواضع به رغم وجود برخی از اختلافات و وابستگی متقابل دو کشور موجب می‌شود این تضادها و اختلافات نتواند روابط دو کشور را به سوی تخریب پیش ببرد. روابط اقتصادی بین ایران و ترکیه نسبت به یک دهه‌ی گذشته در سال ۲۰۰۰ از ۱ میلیارد دلار در ۲۰۱۰ به ۱۰ میلیارد دلار رسید و انتظار می‌رود در سال ۲۰۱۵ به ۳۰ میلیارد دلار افزایش پیدا کند. انرژی یکی از مهم‌ترین عوامل گسترش روابط اقتصادی ایران و ترکیه بوده است طوری که ایران بعد از روسیه دومین تأمین‌کننده‌ی گاز طبیعی ترکیه می‌باشد ایران هم‌چنین نزدیک به ۴۰ درصد از واردات ترکیه برای نفت خام را فراهم می‌کند (مسعود نیا، ۱۳۹۰: ۱۴۱). دولت ایران بعد از انقلاب اسلامی به صورت‌بندی روابط و تعاملات با کشورهای مختلف پرداخت و اولویت‌بندی‌های تازه‌ای را انجام داد که ترکیه از کشورهای با اولویت بالا در روابط در نظر گرفته شد.

ترکیه نیز شدیداً به دنبال افزایش نقش در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی است و با این اصل در پی کاهش آسیب‌پذیری استراتژیک خود است. استراتژیست‌های ترکیه علاوه بر نادیده نگرفتن مزیت حفظ روابط با غرب، بر خاورمیانه و اوراسیا نیز تأکید دارند. با این نگاه حزب عدالت و توسعه و معمار اصلی سیاست خارجی آن (داود اوغلو)، به سیاست خارجی ترکیه تحرک بیشتری بخشیده است (بیات، ۱۳۹۰: ۱۶۶). آنچه که گسترش روابط ترکیه و ایران را در سال‌های اخیر ملموس‌تر می‌کند، گسترش چشم‌گیر روابط اقتصادی آن‌هاست. اقتصاد پویای حزب عدالت و توسعه و اقبال عمومی از موفقیت‌های اقتصادی این حزب، مقامات ترکیه را بر آن داشت تا روابط اقتصادی سطح بالایی را با ایران برقرار نماید. یکی از دلایل این امر، حضور جمع‌کثیری از سرمایه‌گذاران و تجار ترکیه در کنار هیئت‌های سیاسی - دیپلماتیک ترکیه، پس از ۲۰۰۲ است (Beck، ۲۰۱۳: ۲۶). با توجه به این سیاست ترکیه و با توجه به نقش و جایگاه ایران در تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی ترکیه برای پی‌گیری سیاست‌های خود ناچار به همکاری نزدیک با ایران است.

اشتراکات در مواضع دو کشور به رغم برخی اختلافات، وابستگی متقابل و نیاز متقابل ترکیه و ایران به یکدیگر موجب شده تا اختلاف‌نظرها درباره تحولات خاورمیانه موجب تخریب روابط نگردد. اگرچه روابط دو کشور از نظر سیاسی دچار نوعی سردی شده اما در حوزه‌های فرهنگی و اقتصادی همچنان روابط گرم است. از این‌روست که در پیش‌بینی

روابط ایران و ترکیه تحت تأثیر تحولات خاورمیانه در آینده نزدیک سناریوی اول یعنی حفظ روابط فعلی سیاسی و ارتقای روابط فرهنگی و روابط اقتصادی بیش از احتمال بالایی برای تحقق یافتن دارد. سناریوی دوم یعنی رفع سردی روابط سیاسی و ارتقاء روابط سیاسی و به تبع آن ارتقای روابط فرهنگی و ارتقای روابط اقتصادی احتمال کمتری برای تحقق دارد. اما بعید نیست بر اثر برخی تحولات دو کشور روابط گرم سیاسی را در پیش گرفته، همکاری‌ها را در همه حوزه‌ها گسترش دهند. اما تحقق سناریوی سوم یعنی بدتر شدن روابط سیاسی و کاهش روابط در عرصه‌های فرهنگی و اقتصادی بسیار بعید به نظر می‌رسد.

منابع

- ازغندی، علیرضا (۱۳۹۰)، «رابطه ایران و ترکیه در پرتو تحولات جهان عرب»، *فصلنامه مطالعات سیاسی*، شماره ۱۵
- برادران، حمیدرضا (۱۳۸۷)، «چشم‌انداز استراتژیک ترکیه»، *مرکز تحقیقات استراتژیک*، شماره چهارم.
- بطحایی اصل، ابراهیم (۱۳۹۰)، «نقش و تأثیر حزب عدالت و توسعه در گسترش روابط ایران و ترکیه»، *فصلنامه تخصصی علوم سیاسی*، شماره ۱۹، ۱۹۵-۱۸۴
- بیات، ناصر (۱۳۹۰)، «نقش ترکیه در تحولات خاورمیانه با تأکید بر تحولات سوریه»، *فصلنامه رهنامه سیاستگذاری*، شماره ۲، ۱۷۶-۱۶۴
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال. *نظریه‌های مختلف در روابط بین الملل* (جزوه درسی). تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۹.
- شریفیان، جمشید (۱۳۹۱)، «تعامل و تقابل ایران و ترکیه در بحران سوریه»، *فصلنامه امنیت پژوهشی*، شماره ۷، ۱۷۰-۱۴۱
- صادقی، حسین (۱۳۸۹)، «دگرگونی جایگاه منطقه‌ای یمن»، *فصلنامه راهبرد*، شماره ۲۶۱، ۵۶
- صبوحی، مهدی (۱۳۹۱)، «بررسی مقایسه‌ای ایران و ترکیه در قبال تحولات عربی»، *فصلنامه روابط خارجی*، شماره ۴، ۱۲۸-۱۳۳.
- صدرا، علیرضا (۱۳۹۲)، «تحلیل تحولات سیاسی-اجتماعی کشورهای عربی خاورمیانه و شمال آفریقا از منظر نظریه‌ی سازه‌انگاری»، شماره چهارم.

- فرجی‌زاده، عبدالرضا (۱۳۹۲)، «تأثیر بحران‌های منطقه ای و بین‌المللی بر رشد اقتصادی در خاورمیانه و شمال آفریقا»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**.
- قدسی، امیر (۱۳۹۰)، «تحولات ژئوپلیتیک خاورمیانه و تقابل استراتژیها»، **دوفصلنامه مطالعات بیداری اسلامی**، شماره اول.
- قوام، سیدعبدالعلی (۱۳۸۸)، **روابط بین‌الملل: نظریه‌ها و رویکردها**، تهران: سمت.
- محمدخانی، علیرضا (۱۳۸۸)، «تبیین رویکرد نواقح گرایبی در روابط بین‌الملل»، **فصلنامه مطالعات سیاسی**، شماره ۱، ۳.
- مسعودنیا، حسین (۱۳۹۰)، «سیاست خارجی ترکیه و تهدیدهای امنیتی فراروی ج.ا.ا.»، **فصلنامه علمی-پژوهشی آفاق امنیت**، شماره ۱۴، ۱۵۷-۱۳۷.
- متقی، ابراهیم (۱۳۹۰)، «تحولات جهان عرب: تغییرات فضای ژئوپلیتیک امنیتی- راهبردی به ژئوکالچر امنیتی نوین»، **مجله سیاست دفاعی**، شماره ۸۳.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۹)، **تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل**. چاپ پنجم. تهران: سمت.
- موسوی، سیدمحمد (۱۳۹۱)، «انقلاب اسلامی ایران و تحولات ژئوپلیتیکی مصر»، **فصلنامه علمی-پژوهشی**، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، شماره ۱۴، ۱۵۷-۱۵۰.
- نجفی، محمد صادق (۱۳۹۲)، «تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر شکل‌گیری بیداری اسلامی در کشور بحرین»، **فصلنامه علمی-پژوهشی انقلاب اسلامی**، شماره ۱۹۷، ۳۳.
- نیاکوئی، سیدامیر (۱۳۹۰)، «تحولات اخیر خاورمیانه و شمال آفریقا: ریشه‌ها و پیامدهای متفاوت»، **فصلنامه روابط خارجی**، شماره ۴، ۲۶۱-۲۴۵.
- هاشمی نسب، سیدسعید (۱۳۸۹)، «بحران بحرین»، **فصلنامه پژوهش‌های منطقه‌ای**، شماره ۵، ۲۳-۲۱.
- یزدان‌فام، محمود (۱۳۹۰)، «تحولات جهان عرب: صورت‌بندی قدرت و هویت در خاورمیانه»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، شماره دوم.
- یعقوبی‌فر، حامد (۱۳۹۲)، «گونه‌شناسی سیاست خارجی ترکیه در خاورمیانه»، **فصلنامه سیاست خارجی**، شماره چهارم.
- Beck, Martin (2012), **political change in the middle east: an attempt to analyze the "arab spring"**, institute of global and area studies.
- Bacik, Gokhan (2012), **turkey and the new middle east**, european policy

center(epc).

- Bailys, John & Smith Steven (2001), *The Globalization of World Politics* (an Introduction to International Relations) , Oxford: Oxford University Press.

- Buhilal,Firas (2011),*iran and the arab revolution*, arab center for research and policy studies

- Catinsaya,Gukhan (2014),*The new middle east'Turkey'and the search for regional stability*,european policy center(epc).

- Dorsey,James (2015),*moulding the middle east and north africa*,S.raja-raynam school of international studies singapore.

- Elagati,Mohemed (2013),*foreign funding in Egypt*,a European think tank for global action(fried).

- Ergun, Saliha (2012), " *The Past and Future Relation Between Tunisia and Turkey*", Institute Of Strategic Thinking

- Larrabee,Stephan (2013),*tukish_iranian relations in a changing middle east*,national intelligence council.

- Lindenstraus,Gallia (2014),*A Sigh of Relief: The Turkish Perspective on the Interim Deal with Iran*, ifri proliferation papers.

- Mearsheimer,John (2001),*realism,the real world,and the academy*,New Yor:Cambridge university press,2001.

- Ostovari,Afshon (2013),*on shifting sands:iranian on the changing middle east*,international affairs group,can strategic.

- Onis,Zia (2012),*Turkey and the Arab Spring: Between Ethics and Self-Interest*,insight turkey.

- ÜNAL,Serhan (2014),*Political Economy of Turkish-Iranian Relations: Three Asymmetries: Özet Türkiye-İran ilişkileri, literatürde genelde istikrarlı olarak değerlendirilmekte ve ikili ilişkilerdeki istikrarın sebepleri, çoğunlukla ikili*